

اساطیر کهن، آیینی و مذهبی در شعر شاعران انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری (موردکاوی: بررسی اشعار قیصر امین پور، نصرالله مردانی، سیدحسن حسینی و سلمان هراتی)

غلامرضا حسینی، مجیدرضا خزاعی وفا*، علی ماندگار

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد فردوس، دانشگاه آزاد اسلامی، فردوس، ایران.

سال هفدهم، شماره دوم، خرداد ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۷، صص ۱۱۷-۹۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7379

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از رخدادها و حوادث تأثیرگذار در تاریخ سیاسی ایران معاصر است که ابعاد گوناگونی از حیات فردی و اجتماعی مردم ایران از جمله هنرمندان، شاعران و نویسندگان را تحت‌الشعاع خویش قرار داد. ادبیات و بخصوص شعر فارسی نیز بعنوان یکی از حوزه‌های منعکس‌کننده تفکرات و اندیشه‌های بشری، این تحولات و دگرگونیها را بتصویر کشیده است. شاعران حوزه ادبیات پایداری و دفاع مقدس با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تلاش کردند با کمک گرفتن از اساطیر مختلف دینی و ملی در شعر این حوزه، هویت از دست رفته و ارزشهای کهن را در راستای تقویت روحیه ملی و میهنی و معنوی ملت ایران و رزمندگان احیا نمایند. هدف پژوهش پیش رو بررسی اسطوره‌های ملی، آیینی و مذهبی در شعر شاعران دفاع مقدس و ادبیات پایداری است.

روش پژوهش: این پژوهش رهیافتی است توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش سندکاوی که با بهره‌گیری از دانش اسطوره‌شناسی سعی در تبیین عناصر اسطوره‌های ملی و مذهبی در اشعار قیصرامین پور، سیدحسن حسینی، نصرالله مردانی و سلمان هراتی دارد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که شاعران زبان و ادبیات فارسی در حیطه‌ها و حوزه‌های مختلف از جمله ادبیات پایداری، هنوز هم ارتباط فکری و اندیشه‌ای خویش را با بنمایه‌های رازآلود و مقدس اساطیر کهن ایرانی و مذهبی حفظ نموده‌اند؛ بهره‌گیری از اسطوره در شعر این شاعران بیشتر در راستای تهییج و ایجاد انگیزه در مخاطبان است.

نتیجه پژوهش: نتایج این پژوهش با بررسی آثار نشان می‌دهد که شاعران یاد شده نقش و کارکرد مقدس اساطیر مذهبی را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند، تا بدین وسیله رشادتهای شهیدان، رزمندگان، ایثارگران و دلاوران میدان نبرد را در مقایسه با قهرمانان اساطیر مذهبی از جمله امام حسین(ع) بتصویر بکشانند. در کنار بهره‌گیری از اساطیر مذهبی، از اساطیر ملی و کهن مانند اسطوره رویین تنی اسفندیار، رستم، گذر از هفت خوان، سیمرغ(عنقا) و ضحاک نیز بصورت قابل توجهی بهره گرفته‌اند.

تاریخ دریافت: ۱۲ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۵ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۳۰ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴ آبان ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

ادبیات پایداری و دفاع مقدس، اساطیر دینی و مذهبی، شعر، هویت‌سازی.

* نویسنده مسئول:

khazaeivafa@iaubir.ac.ir

۰۱۴۹۸۵۶۳۲۲۴۹۰۱



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Ancient, ritual and religious myths in the poetry of poets of the Islamic revolution and sustainable literature (Case study: review of the poems of Qaiser Aminpour, Nasrullah Mardani, Seyyed Hasan Hosseini and Salman Herati)

Gh.R. Hassani, M.R. Khazaei Vafa*, A. Mandegar

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Ferdows Branch, Islamic Azad University, Ferdows, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 03 August 2023
Reviewed: 06 September 2023
Revised: 21 September 2023
Accepted: 05 November 2023

KEYWORDS

literature of stability and sacred defense, Religious and religious mythology, Poetry, Identification.

*Corresponding Author

✉ khazaeivafa@iaubir.ac.ir

☎ (+98 56) 32724901

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The war imposed by Iraq against Iran is one of the influential events and incidents in the political history of contemporary Iran, which affected various aspects of the individual and social life of the Iranian people, including artists, poets and writers. Literature, especially Persian poetry, as one of the areas that reflect human thoughts and ideas, has depicted these changes and transformations. With the beginning of the war imposed by Iraq against Iran, the poets of the field of literature of stability and sacred defense tried to use the help of various religious and national myths in the poetry of this field, the lost identity and ancient values in order to strengthen the national, patriotic and spiritual spirit of the Iranian nation. Warriors revive. The purpose of the upcoming research is to investigate national, ritual and religious myths in the poetry of the poets of the holy defense and the literature of sustainability.

METHODOLOGY: This research is a descriptive-analytical approach based on library studies and the sand analysis method, which, using the knowledge of mythology, tries to explain the elements of national and religious myths in the poems of Qaiser Aminpour, Seyed Hassan Hosseini, Nasrullah Mardani and Salman Herati.

FINDINGS: The findings of this research indicate that the poets of Persian language and literature in various fields and fields, including sustainable literature, have still maintained their intellectual connection with the mysterious and sacred sources of ancient Iranian and religious myths; The use of myth in the poetry of these poets is more aimed at stimulating and motivating the audience.

CONCLUSION: The results of this research, by examining the works, show that the aforementioned poets have paid more attention to the sacred role and function of religious legends, in order to thereby compare the bravery of martyrs, warriors, sacrificers and heroes of the battlefield in comparison to the heroes of religious legends, including Draw Imam Hussain (a.s.) In addition to using religious myths, national and ancient myths such as the myth of Ruyin Teni Esfandiari, Rostam, Passing Haft Khwan, Simorgh (Anqa) and Dhahhak have also been significantly used.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7379](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7379)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 32	 1	 5

مقدمه

اسطوره از جمله مفاهیم و بن‌مایه‌های کهن و رازآلودی است که همواره با ادبیات یک ملت پیوند و ارتباط تنگاتنگی داشته؛ تا جایی که بسیاری از محققان و پژوهشگران معتقدند سرنوشت یکی به دیگری وابسته است (ر.ک روتون، ۱۳۷۸: ص ۷۴). اگرچه دنیای اساطیر، دنیای رازناکی از آغاز آفرینش است اما این سخن بدان معنا نیست که نتوان ردپای اساطیر را در دنیای معاصر مشاهده کرد. این روایت‌های مینوی و مقدّس هنوز هم در دوران حال حاضر با کارکردهای متفاوت و گوناگون بحیات خود ادامه داده و شکلی تازه بخود گرفته‌اند؛ چنانکه با مطالعه آثار ادبی جدید میتوان گفت که اسطوره تنها مختص بدوران گذشته نیست و بخش قابل توجهی از ادبیات امروزه نیز با روایت‌های اسطوره‌ای پیوند خورده است و ادامه حیات اساطیری را میتوان در آنها مشاهده نمود.

رویکرد اساطیری به شعر انقلاب اسلامی در حیطه ادبیات معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد. در این نوع از اشعار، شاعران با بهره‌گیری از درونمایه‌ها و بنمایه‌های اساطیری و نمادین به بازآفرینی هویت ملی و دینی از رهگذر جهان مقدّس و رازناک اساطیر می‌پردازند؛ هنگامی که یک سرزمین با انقلاب و دگرگونی در زیر ساخت‌های سیاسی، مذهبی، فکری و اجتماعی مواجه میشود و پس از آن بمانند انقلاب اسلامی ایران مورد هجوم بیگانگان قرار میگیرد، نیاز به قهرمانسازی، قهرمانپروری و زنده ساختن اساطیر مذهبی و ملی در میان هنرمندان، مردم و جامعه بیشتر احساس میشود؛ از این جهت بسیاری از اهل هنر از جمله شعرا به بازآفرینی اساطیر جهت تقویت روحیه انقلابی و پایداری ملت پرداختند. ادبیات انقلاب اسلامی در ماهیت و ذات خویش دارای کارکردها و گزاره‌های اسطوره‌ای است؛ چرا که محتوای اصلی آن قیام یک ملت علیه وضع پریشان، نابسامان و اوضاع و شرایط خفقان‌آور جامعه است. این نوع کارکردها در ماهیت و ذات خویش با فطرت بیدار و آگاه بشر ارتباطی تنگاتنگ داشته و ماندگار هستند.

مسئله اصلی پژوهش پیش رو آن است که بتحلیل و تبیین کارکرد اساطیر در شعر جنگ و دفاع مقدّس بپردازد تا از این رهگذر نقش اسطوره‌ها را در تقویت و تحکیم مبانی هویت دینی و ملی ایرانیان پیش از پیش آشکار نماییم. در پژوهش پیش رو میکوشیم به این پرسشها پاسخ بدهیم که عناصر نمادین و اساطیری در اشعار ادبیات پایداری و دفاع مقدّس با تکیه بر سروده‌های قیصر امین‌پور، نصرالله مردانی، سیدحسن حسینی و سلمان هراتی کدام است و هدف شعرا از کاربرد این عناصر در اشعارشان چیست؟ عناصر و نمادهای اسطوره‌ای در شعر آنان چگونه مطرح شده است؟ در پاسخ به این پرسشها باید گفت که بهره‌گیری از اساطیر در سروده‌ها و اشعار انقلابی و دفاع مقدّس حاکی از آن است که شاعران در این نوع ادبی با آگاهی و اشراف از قدرت اساطیر و توان رازآلود آنها در احیاء هویت، آرمانها، ارزشها و توان روحی یک ملت از این نمادها در احیاء مجدد هویت ملی و دینی مردم ایران بهره گرفته‌اند.

هدف و ضرورت پژوهش

هدف اصلی این جستار تبیین کارکرد اساطیر در شعر دفاع مقدّس در راستای تحکیم مبانی و اصول ارزشی و هویت ملی ایرانیان است. اساطیر با گذر زمان و در طول تاریخ اشکال گوناگونی بخود میگیرند تا نیازهای هویتی جوامع را برطرف سازند. بهره‌گیری شاعران دفاع مقدّس از اسطوره در سروده‌های این حوزه نشان میدهد که شاعران ایرانی رشته ارتباط فکری و روحی خویش را با جهان اساطیری حفظ نموده و در راستای احیاء هویت، فرهنگ، تاریخ و آرمانهای دینی و میهنی ایرانیان از شخصیت‌های اساطیری بهره گرفته‌اند تا از این طریق هم به تفهیم ارزشها

بپردازند و هم با پاسداشت اساطیر، هویت ملی ایرانیان را حفظ نمایند. از این رو با توجه به اهمیت و جایگاهی که اسطوره در شعر دفاع مقدس بر عهده دارد و نیز با توجه به جایگاه برجسته شاعران مورد بررسی در عرصه ادبیات پایداری و دفاع مقدس و بسامد قابل توجه از درونمایه‌های اساطیری در شعر شاعران دفاع مقدس، پرداختن بموضوع پژوهش حاضر جهت تبیین کارکرد این عناصر ضروری بنظر میرسد.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو بشیوه توصیفی-تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی انجام شده است. با توجه به دامنه و گستردگی عناصر، مفاهیم و اندیشه‌های اساطیری در شعر شاعران دفاع مقدس و ادبیات پایداری، نگارندگان در این جستار سعی کرده‌اند آن دسته از عناصری را که کاربرد بیشتری در اشعار منتخب داشته، مورد توجه قرار دهند. جامعه آماری پژوهش شامل اشعار ادبیات پایداری و دفاع مقدس از چهار شاعر مطرح این حوزه یعنی قیصر امین پور، نصرالله مردانی، سیدحسن حسینی و سلمان هراتی می‌باشد. برای بدست آوردن نتایج بهتر از میان اشعار مورد نظر، تعداد صد شعر که درونمایه و محتوای آنها با اساطیر ملی و مذهبی آمیخته شده، انتخاب گردیده و بروش سیستماتیک، سامانمند و آماری، به ارائه تحلیلها پرداخته‌ایم.

پیشینه پژوهش

در خصوص ادبیات - پایداری و شعر دفاع مقدس تاکنون پژوهشهای مختلفی انجام شده است که در ادامه به بخشی از مهمترین و کاربردیترین آثار پیرامون تحلیل این نوع ادبی خواهیم پرداخت. سنگری در کتاب «نقد و تحلیل ادبیات منظوم دفاع مقدس» نمادها و ویژگیهای زبانی و فکری شعر دفاع مقدس را در تحلیلی کلی و رویکردی عام مورد بررسی قرار داده است. کاکایی در کتاب «آوازه‌های نسل سرخ» با تأکید بر موضوع ادبیات پایداری در ایران و جهان، بنمایه‌های اصلی این نوع ادبی را با شواهد و مثالهایی از اشعار پایداری ایران و جهان تحلیل نموده است. کاکایی در کتاب «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان» به تحلیل و بررسی موضوع جنگ در ادبیات ملل گوناگون پرداخته و گریزی نیز به مباحث ادبیات حماسی و نقش آن در شعر جنگ داشته است. کافی در کتاب «دستی بر آتش» ویژگیهای معنایی، ساختاری، زبانی و اصطلاحی ادبیات جنگ را تحلیل نموده و به اهمیت لحن و فضای حماسی و اسطوره‌ای بویژه در شعر دفاع مقدس پرداخته است. مکارمی‌نیا در کتاب «بررسی شعر دفاع مقدس» ضمن توجه به ادبیات پایداری در ایران، تحلیلی زبانی، ادبی و فکری از شعر سه نسل از شاعران این عرصه را انجام داده است. رشیدیان در کتاب «بینش اساطیری در شعر معاصر» با بررسی اساطیر در اشعار شاعران نامداری چون نیما یوشیج، اخوان ثالث، شاملو و چند شاعر دیگر تحولات و دگردیسیهای رویکرد اساطیری شعر آنان را تحلیل نموده است.

داوودی مقدم و جهانگیری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل اساطیر حماسی شاهنامه در ادبیات پایداری معاصر» با تأکید بر اشعار مردانی و قزوه، اسطوره‌هایی مانند رستم، کوه قاف و سیمرغ را بررسی و واکاوی نموده‌اند. میرزایی مطلق و حقگو (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تجلی اسطوره در شعر دفاع مقدس با تأکید بر آثار قیصر امین پور و علی معلم» اساطیر بکار رفته در اشعار این دو شاعر را مورد تحلیل و واکاوی قرار داده‌اند. سلیمانی‌نژاد مهرآبادی و سیف (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی اسطوره و انواع آن در شعر معاصر؛ با نگاهی بشعر موسوی گرمارودی» بتحلیل نقش اساطیر دینی و ملی در شکوفایی شعر گرمارودی پرداخته‌اند.

موسوی و محمدی ده چشمه (۱۳۹۴) در مقاله «بازتاب اسطوره‌های ملی و حماسی در شعر شاعران دفاع مقدس» اشعار چند شاعر برجسته حوزه ادبیات پایداری از جمله سیدحسن حسینی، مشفق کاظمی، موسوی گرمارودی و حمید سبزواری از جهت نقش اساطیر در تقویت روحیه رزمندگان و... مورد تحلیل قرار داده‌اند. لک (۱۳۸۴) در مقاله «درآمدی بر شناخت اسطوره و تبیین کارکردهای هویت‌بخشی آن در شعر جنگ» نقش اساطیر ملی در ایجاد وحدت و همدلی در میان مردم و رزمندگان را تحلیل نموده است.

بحث و بررسی

در کهن‌ترین و قدیمی‌ترین متون ادبی جهان و متأخرترین آنها میتوان ردپای اساطیر را مشاهده کرد؛ هر چند اساطیر در متون غیر ادبی نیز بحیات خویش ادامه میدهند، اما اشکال گوناگون آن بیشتر در لابلای متون ادبی قابل مشاهده است. این پیوند عمیق میان اسطوره و ادبیات سبب شده است که در سراسر دنیا، مطالعات گوناگونی در خصوص ادبیات و اسطوره شکل بگیرد. در ایران نیز این دو حیطه، قدمت چند هزار ساله دارد. اساطیر ایران باستان که خود ریشه در اندیشه‌ها و آیینهای کهن هند و اروپایی دارد در قالب اساطیر آیینی و رازآلود مزدیسنا، اصلیت‌ترین حوزه ادبیات اساطیری زبان فارسی را شکل میدهد. شعر بیان تجارب شاعرانه سراینده از جهان هستی است و اسطوره زیستن این تجارب. «اگر انسان اسطوره‌پرداز نخستین در ذات اشیا مستحیل گردید و هستی گنگ را لفظ در لفظ سرود، اما شاعر سعی دارد تا از مرز نامها بگذرد و بدریافت هستی پای بگذارد اما شاعر را یاری نامیدن دریافت درونی خویش نیست و هنجار روزمره زبان در بازپرداخت دریافتهای رازآلود وی ماهیتی اساطیری می‌یابد و کلمه سرشار از نیروی اساطیری میگردد» (رشیدیان، ۱۳۷۰: ص ۱۸). هنگامی که شاعر تصمیم میگیرد اسطوره را بعنوان عنصر خیال‌انگیز در کلام خویش مورد استفاده قرار دهد در حقیقت با آن اسطوره در ماهیت و کنه آن همسو شده و از زبان آن اسطوره اندیشه خویش را بازگو مینماید. اسطوره به شعر توانایی نامحدودی در اتصال به نیروی مقدس و بیکران هستی میدهد و هر شاعر بفرآخور میزان دانش، آگاهی، خلاقیت و شهود خویش از این رهیافت بهره میگیرد. در دوران اخیر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی ادبیات پایداری و شعر دفاع مقدس مجال مناسب برای شاعران شد که معانی جدیدی به اسطوره‌ها و داستانهای اسطوره‌ای بدهند. «جهان نوین بی‌گمان دارای اساطیر آشکار و پنهان بسیار است؛ از این رو باید اسطوره‌های جهان نو را شناخت. رفتارهای اسطوره‌ای کاملاً منسوخ نشده است و اساطیر حوزه‌های کارکرد خود را بجهان معاصر نیز رسانده است» (الیاده، ۱۳۷۴: ص ۷۲).

ماهیت اسطوره

اساطیر به طرق گوناگون تعریف شده و در توصیف ماهیت آنها با تعاریف مختلفی مواجه هستیم اما در اغلب این تعاریف بر این نکات تأکید شده که «اسطوره روایت‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی است که در زمان شگرف بدایت و اولین، رخ داده است اسطوره حکایت‌کننده آن است که چگونه با اعمال خارق‌العاده موجودات فوق طبیعی و یا واقعی جهان هستی، نوع خاصی از سلوک، آداب و رسوم یا امر مقدس ایجاد شده است» (ر.ک الیاده، ۱۳۶۲: ص ۱۴). از این رو میتوان اذعان نمود اسطوره مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات مذهبی و شهودی و جهان‌نگری انسان اولیه است که بکمک آن بکشف و شناسایی جهان پیرامون میپرداخته است. انسانهای نخستین به کشف رازهای طبیعت و جهان هستی نیاز داشتند و بکمک اساطیر در قالبی نمادین و تمثیلی، بشناخت جهان رازآلود پیرامون خویش میپرداختند از این رو اسطوره «تفسیر انسان نخستین از جهان و پاسخگوی نیازهای معنوی آنان

نسبت به ناشناخته‌ها، ترس و پدیده‌هایی است که برای آنان مبهم بوده و نیاز مبرمی بدربافت و فهم چستی آن وجود داشته است» (بهار، ۱۳۷۴: ص ۲۰۶). «موجودات اساطیری، قهرمانانی‌اند که با خویشکاربهای فراطبیعی، با الهام از طبیعت، هستی یافته‌اند و با هم‌آمیزی عنصر خیال، بحیات خود ادامه می‌دهند. آدمهای اسطوره، موجودات مافوق طبیعی‌اند و خاصه به سبب کارهایی که در زمان باعتبار ازلی انجام داده‌اند، شناخته شده‌اند. بنابراین موجودات و شخصیت‌های اساطیری با ویژگی ابرانسانی چهره نموده و به هستی خود به یاری آثار بشری ادامه می‌دهند. بخشی از عناصر اساطیری را اسطوره‌های ملی تشکیل می‌دهد، این اسطوره‌ها بهترین ظرفیت ادبی برای بازگشت گذشته است که با فراتاریخی نشان دادن موضوعات امروزی، معنابخشی به جهان، اعمال آدمی و مناسبات آثار ادبی بازتولید میشوند» (دانشگر و همکاران، ۱۴۰۱: صص ۲۴ - ۲۵).

دگرگونی اساطیر

با گذشت زمان و در طول قرنهای مختلف، اساطیر همچنان خاصیت ماورایی و مقدس خویش را حفظ نموده‌اند و به اشکال گوناگون بحیات خود ادامه داده‌اند. یکی از زیستگاه‌های اصلی اساطیر هنر، ادبیات و شعر است؛ تا جایی که برخی زایش ادبیات را از اسطوره دانسته‌اند. نورتروپ فرای^۱ فیلسوف و اسطوره‌شناس غربی اسطوره را زیر بنا و قالب و پیکره اصلی ادبیات دانسته و آن را در پیوند با کهن‌الگوها^۲ برشمرده است (ر.ک جوارى، ۱۳۸۳: ص ۴۴). پابرجایی و قدمت و ماندگاری اساطیر به اندازه‌ای است که الیاده معتقد است حافظه تاریخی بمرو زمان شخصیتها و وقایع تاریخی را به شخصیتها و نمادهای اساطیری بدل میکند از این رو اسطوره هرگز از بین نمیرود بلکه اصل «برگشت‌پذیری» همواره در آن‌ها رعایت میشود و بدان معنا که اسطوره هیچ‌گاه از ادبیات، تاریخ و شالوده زندگی انسان از گذشته تا آینده جدا نخواهد شد (ر.ک الیاده، ۱۳۶۲: ص ۲۱). در ارتباط با ادبیات و اسطوره مانایی اساطیر در حافظه ادبی ملت‌ها و دگرگونی آنها به اشکال مختلف در طول دورانهای گوناگون تاریخی باید به دو نکته اساسی دقت نمود گاه یک اسطوره در شعر عیناً بعنوان رویکرد تلمیحی مورد توجه قرار میگیرد و «گاه اساطیر متناسب با شرایط زمان و مکان بازنمایی میشوند؛ زیرا اساطیر در هر زمان، شکل و نقش و کاربرد ویژه‌ای دارد و در جریان زمان مرزهای جغرافیایی و درمیان مردمان گوناگون ممکن است دستخوش دگرگونی‌هایی شود و نقش تازه‌ای بپذیرد» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ص ۱۳). ادبیات را میتوان ابزاری برای تداوم اسطوره بشمار آورد. بدیگر سخن «یکی از اصول ساختاری و سازمان‌دهنده قالب ادبی و یک صورت مثالی و عنصر اساسی تجربه ادبی فرد است» (گورین، ۱۳۷۰: ص ۱۸۰). اساطیر تغییر شکل می‌دهند، ادغام میشود و با انطباق خود با مسائل و مضامین جدید، حیاتی تازه از سر خواهند گرفت و به پایایی و دوام خواهند رسید و همین ظرفیت تغییرپذیری و انطباق است که عامل اصلی دوام و ادامه حیات اساطیر در ادوار گوناگون تاریخ ادبیات میباشد. «اسطوره‌ها تا وقتی که به زندگی محسوس و عملی جامعه خود مربوط باشند، در میان توده مردم حیات دارند و زمانیکه با شرایط زندگی جامعه تطبیق نکنند، از زندگی توده مردم خارج میشوند و از آن به بعد در ادبیات، فرهنگ و مطالعات میتوانند ادامه حیات بدهند» (بهار، ۱۳۷۶: ص ۳۴۶).

^۱ Northrop Frye

^۲ Archetype

ادبیات پایداری و دفاع مقدس

عنوان ادبیات پایداری و دفاع مقدس معمولاً به نوشته‌ها و آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون جنگ، استبداد داخلی، اختناق و اشغال سرزمینی بدست نیروهای بیگانه خلق می‌شوند و صرف نظر از ویژگی‌های کلی که در این گونه آثار وجود دارد دارای یک وجه اساسی مشترک می‌باشد آن هم پیام و مضمون و درونمایه این آثار است که غالباً دردها و مظلومیت‌های ملتی که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی آن مورد تهاجم قرار گرفته است را منعکس مینماید و از حماسه‌ها و رشادتهای سربازان و رزمندگان در مواجهه با نیروهای ظلم و ستم، ستایش آزادی، شهدا، جانبازان و سرزمین سخن می‌آورد.

اندکی پس از شروع جنگ تحمیلی، شاعران بسیاری بمطرح ساختن آرمانها و اندیشه‌های انقلابی، ارزشی و میهنی پرداختند. «نخستین سروده‌های دفاع مقدس عمدتاً در قالب [اشعار] نیمایی و با زبان روایی و نسبتاً بلند، تصویری از رشادت و ایثار مردم را بازگو میکنند. انتخاب قالب و ساختار نیمایی که در شعر شش ماهه اول جنگ [یعنی از مهر ماه ۱۳۵۹ تا آغاز دهه ۶۰] دیده میشود، گذشته از مبتدی بودن شاعران، به این سبب است که هم مجال بیشتر برای شعار دادن و برانگیزاندن باشد و هم رها از محدودیتهای قافیه و تساوی مصراعها بتوان مطرح مسائل و موضوعات پرداخت» (سنگری، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۹). حقیقت تاریخی آن است که با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به پشتوانه هزار ساله شعر فارسی، سرمایه‌های عظیمی از اندیشه، ایمان، معنویت و میهن‌پرستی در خدمت تبلیغ آرمانهای دفاع مقدس قرار گرفت تا از این رهگذر شعر بعنوان تکیه‌گاه اصلی جهت مطرح ساختن آرمانها و اندیشه و عواطف این دوره، بخدمت گرفته شود. شعر دفاع مقدس در ایران دو دوره کلی را پشت سر گذاشت؛ دوره نخست شامل سروده‌هایی است که با آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه ایران شکل گرفت و تا پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ادامه یافت. اشعاری که با لحنی گزارشی و غلبه جنبه روایی بیشتر در پی توصیف رخدادها و حوادث جنگ بودند و صنایع لفظی و معنوی و صورخیال در آنها بصورت قابل توجه و چشمگیری استفاده نشده است. و شهادت، خون، آرمان، وطن، دشمن و توجه به جنایات رژیم عراق، بنمایه‌های اصلی اشعار این دوره را تشکیل میدهد. اما با اتمام جنگ و دوری از فضای آن، حالت روایی و گزارش‌گونه اشعار این حوزه کمتر شد و ادبیات اعتراضی، فراموشی آرمانها، تحلیل واقعیت‌های اجتماعی و... بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در این دوران رویکردهای ادبی، توجه به صورخیال، نمادگرایی و صنایع ادبی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه که در تاریخ ادبیات پایداری و دفاع مقدس حائز اهمیت است آنکه شعر دفاع مقدس، شعر هویت ملی و مذهبی ایرانیان است و شاعران این حوزه، برای انتقال مفاهیم و اندیشه‌های خود از ابزارهای گوناگون از جمله نمادپردازی اساطیری بهره گرفته‌اند.

اسطوره‌سازی در حوزه ادبیات مقدس و پایداری

بهره‌گیری از اساطیر و نمادهای اسطوره‌ای از ویژگی‌های برجسته ادبیات معاصر ایران بویژه پس از انقلاب اسلامی است. مهمترین انگیزه روی آوردن شاعران ادبیات پایداری در دوران معاصر به اسطوره، حوادث سیاسی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود بگونه‌ای که اغلب شاعران این حوزه، عمق فاجعه و ظلم و ستم عراق علیه ملت ایران را دستمایه‌ای برای تقویت روحیه میهن‌پرستی رزمندگان قرار دادند تا از رهگذر شعر دفاع مقدس، بار دیگر غرور، هویت ملی و آرمانهای هویت‌بخش ملت ایران را احیا نمایند و عامل محرکی جهت تقویت روحیه رزمندگان، تهییج آنان و حفظ ارزشهای ملی، میهنی و شعائر آیینی و کهن ملت ایران باشند. به این ترتیب اسطوره و بیان نمادین

آن بصورت ابزاری در دست شاعران هنرمند و توانای ادبیات پایداری و دفاع مقدس درآمد تا بفراخور شرایط، موقعیت و توانایی هنری خویش از آن در جهت رسیدن به اهداف آرمانی ملت ایران استفاده نمایند؛ از این رو قابل انطباق با اساطیر کهن و مقدس هستند و با ارکان و پایه‌های آفرینش اساطیری همسو و همجهت میباشند. شاعران انقلاب اسلامی و ادبیات پایداری با بهره‌گیری از این درونمایه‌های اسطوره‌ای بشعر خویش ماهیت و هویت بخشیده و آن را با فرهنگ و آیین کهن در اندیشه ایرانیان مرتبط ساخته و بنوعی به بازآفرینی اساطیر بصورت تازه‌ای اقدام نموده‌اند و بدیگر سخن با بهره‌گیری از اسطوره‌های دینی در فرهنگ گذشته و آیینی ایرانیان و مطرح ساختن قهرمانان و شخصیت‌های دینی در ادبیات پایداری و دفاع مقدس سعی شده است بار دیگر جنبه‌های افتخارآمیز و هویت ملی و دینی ایرانیان زنده شود و با تکیه بر ارزشها و آرمانهای دینی، روحیه دفاع از تاریخ، فرهنگ، هویت و ملت ایرانی - اسلامی احیا گردد.

در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که ادبیات پایداری و دفاع مقدس بصورت ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت عناصر اسطوره‌ای با کاربرد چشمگیری در شعر این شاعران استفاده گردید، عناصری که کارکرد آنها هویت‌بخشی و احیاء نیازهای فرهنگی جامعه بود. یکی از دلایل احساس نیاز به این نوع اشعار، نابرابری، ظلم و ستمی بود که نیروهای متجاوز عراق علیه ایران در جنگ تحمیلی اعمال میکردند. بر همین اساس مجموعه اشعار بسیاری از شاعران دفاع مقدس و ادبیات پایداری که در ارتباط با انقلاب اسلامی و جنگ سروده شده است، جدا از توجه به فرهنگ شهادت، ایثار و ارزشهای معنوی شامل رویکردهای قابل توجه از عناصر اسطوره‌ای ملی و مذهبی است.

در شعر ادبیات پایداری و دفاع مقدس، اسطوره عنصری خیال‌انگیز است که هم ارزش هنری دارد و هم کارکرد معنایی در جهت هویت‌سازی و تقویت باورهای دفاعی و ایجاد روحیه بیشتر برای حفظ تمامیت ارضی کشور. در زمان جنگ کاملاً طبیعی است ترس از نابودی تمامیت ارضی و ارزشهای معنوی، ملت را با بحران هویتی مواجه میسازد، درست از همین جاست که اسطوره بعنوان سدّ دفاعی مستحکمی بلحاظ ادبی میتواند هر یک در قالب سمبل و نمادی از مبارزه علیه ستیزه‌جوییهای دشمن متجاوز شناخته شود و قهرمان و مردم عادی را در رویارویی با خطر مرگ، از دست رفتن آمل و آرزوها و نابودی وطن، بلحاظ روحی آماده میسازد. در این دوران «شاعرانی را میتوان دید که پرورده انقلاب بودند و شعر آنها از احساسات و عواطف دینی و وطن‌پرستی آنان مایه میگرفت؛ شاعرانی که بنمایه‌های حماسه، اساطیر، توجه به ارزشهای اخلاقی و معنویت، شاکله اصلی شعر آنان را تشکیل میداد» (حقوقی، ۱۳۷۷: صص ۴۵۰ - ۴۵۱). ترسیم چهره ستم کشیده مردم مظلوم ایران، دعوت به مبارزه، بیان بیدادگریها و جنایتهای رژیم بعث عراق، توصیف و ستایش شهدا و جانبازان جنگ، ستایش مردانگی، آزادگی و شجاعت، ستایش میهن همگی از جمله نکاتی است که زمینه را برای بهره‌گیری از اسطوره و اسطوره‌سازی در شعر این دوران فراهم نمود. «رویکرد اسطوره‌ای در شعر دفاع مقدس در ادبیات معاصر ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. شاعران با استفاده از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره‌ها میپردازند و با طرح شخصیت‌های ملی و دینی و با تکیه بر ارزشهای اسلامی و ایرانی، روح دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی را بیدار میکنند» (لک، ۱۳۸۴: ص ۱۳۲). هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم متجاوزان و بیگانگان قرار میگیرد؛ نیاز به تقویت روحیه حماسی و اساطیری پدید می‌آید تا توان دفاعی ملت بالا رفته و احساس قدرت در مقابل سلطه بیگانگان افزایش یابد. از این رو اسطوره به حیطة ادبیات پایداری راه یافته و به باری بازآفرینی حقیقت میپردازد.

تحلیل و بررسی نمونه‌ها

بهره‌گیری از هویت اساطیری

بهره‌گیری از اساطیر ملی و میهنی، تلاشی است برای حفظ هویت ایرانیان در طول تاریخ. ملت ایران در درازنای تاریخ پر فراز و نشیب خود همواره با متجاوزان و بیگانگان در نبرد بوده و بنا به اقتضای هر دوره‌ای، شاعران رسالت خویش را بصورت صریح یا نمادین در قالب انواع شعر ایفا نموده و با انواع ظلم و بیعدالتی و تهاجم دشمنان و متجاوزان به مبارزه آشکار و پنهان اقدام نموده‌اند. در دوران معاصر زمانی که ایران از سوی رژیم متجاوز بعث عراق مورد حمله قرار گرفت، رزمندگان دلیر در راستای حفظ آب و خاک و دیانت مردم ایران قدم بمیدان جنگ نهادند و شاعران این دوره با رویکردی اسطوره‌ای به قهرمانان و پهلوانان تاریخ پر افتخار گذشته ایران این دل‌و‌ریها را در اشعار خویش بصورت نمادین منعکس ساختند. در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن، فضا برای توجه به عناصر اساطیری و کهن مناسب بود؛ شاعران بسیاری بمانند فردوسی و همانگونه که حکیم خردمند و فرزانه توس در هنگامه تهاجم اعراب به ایران زبان آگاه و گویای خرد جمعی ایرانیان شد، در طول جنگ تحمیلی به تشویق و تهییج قهرمانان و مبارزان جبهه‌های نبرد پرداختند. ژرف ساخت بسیاری از اشعار ادبیات پایداری در دفاع مقدس، حماسه است و هر حماسه‌ای در بطن خود میتواند از عناصر اسطوره‌ای بهره گیرد. در شعر جنگ و پایداری، شاعر برای بیان عواطف انسانی و مفاهیم برگزیده خویش در این راستا، اسطوره‌های کهن ملی را دستمایه قرار میدهد تا با پیروی از تخیل بکمک آنچه که در ناخودآگاه فردی و جمعی قوم ایرانی از کهن‌الگوها و میراث اساطیری بر جای مانده، بمقتضای شرایط، در راستای اهداف خویش برگزیند. شاعر جنگ تحمیلی و ادبیات پایداری از نمادهایی که بیانگر هویت سنتی ملت ایران است با تأسی به شاهنامه حکیم طوس، بتصویرسازی میپردازد. «تحریک و ترغیب مخاطب»، «تقویت همبستگی» و «تهییج احساسات ملی، تقویت روحیه جمعی» از مهمترین دلایلی است که شاعران دفاع مقدس را به بهره‌گیری از عناصر اسطوره‌ای و ملی تشویق و ترغیب میکند.

شاعران دفاع مقدس با بهره‌گیری از قهرمانان حماسی و نوعی نگرش منعطف و آرمانی بویژگیهای روحی و توان معنوی این قهرمانان، آنان را بعنوان نمادی اساطیری و ملی در شعر خویش بار دیگر زنده میکنند. اگر رستم، سهراب، سیاوش، بیژن و... در شاهنامه فردوسی و اساطیر کهن ایرانی نمادی از تنومندی و قدرت بدنی هستند، در ادبیات پایداری و دفاع مقدس، این قهرمانان دیگر نه در قالب جسمی تنومند، بلکه بعنوان سمبل و نمادی از تواناییهای روحی، قدرت معنوی و صلابت اساطیری و کهن مورد توجه قرار میگیرند. انگیزه این تغییر و تحول و نوگرایی، درحقیقت نیاز جامعه است. «اهمیت اسطوره در شیوه در بر گرفتن و بیان باورها و ارزشهای نهفته‌ای است که در میان اعضای یک گروه فرهنگی، مشترک و قطعی هستند» (ادگار و سچ ویک، ۱۳۸۸: ص ۴۳). از این رو شاعران عرصه ادبیات پایداری و دفاع مقدس با توجه به نیازهای جامعه عصر حاضر، از الگوهای پهلوانی کهن و اساطیری بهره گرفته و این شخصیتها را در قالب و کارکردی نوین ارائه داده‌اند. آزادگی، دادپیشگی، جوانمردی، توانمندی، شجاعت و پیشروی از جمله بنیانها و مؤلفه‌های اصلی حکمت پهلوانی - اساطیری قهرمانان ایران در دوران اساطیری است. شخصیتهایی مانند رستم، اسفندیار، سهراب، آرش و... که با نیروی اهورایی و خداوندی و بهره‌گیری از تأیید الهی (فرّه ایزدی) به مرتبه‌ای رسیده‌اند که در دشواریها و سختیها به یاری نیروی الهی و قدرت و توان همه‌جانبه خویش قادر به گذر از سختیها، آزمونها و دشواریها هستند؛ از این رو شاعران عرصه ادبیات پایداری و دفاع مقدس رزمندگان و دل‌اوران در جبهه پیکار علیه رژیم بعث و دشمن متجاوز را به این شخصیتها مانند میکنند.

اسطوره قهرمان از آن جهت مورد توجه شاعر قرار میگیرد که متصف به اوصاف خاصی است که در دیگر شخصیتها یافت نمیشود. اعمال خارقالعاده و شگفت، بعد فرازمانی و نیز فرامکانی این قهرمانان، آنان را شایسته تعریف، تمجید و تکریم میکند. مردانی از جمله شاعران انقلاب اسلامی، ادبیات پایداری و دفاع مقدس است که واژه‌های اساطیری، اعم از اساطیر ملی یا مذهبی را بمیزان بسیاری مورد توجه قرار داده است. «برخی از واژگان انقلاب و دفاع مقدس بشدت مورد توجه مردانی قرار گرفته است تا جایی که در بسیاری از آثار او از جمله کتاب خون‌نامه خاک ترکیبات بسیار زیادی از این قبیل را میتوان سراغ گرفت» (امین‌پور، ۱۳۸۷: ص ۵۹).

شاعر در بیان اندیشه‌های خویش در دفاع از رزمندگان و ایثارگران و تقبیح تجاوز رژیم بعث علیه ملت بیدفاع و مظلوم ایران از نمادهای اساطیری بهره برده و با کمک این نمادها صورخیال بلاغی را خلق نموده که سبب تشویق رزمندگان به ادامه مبارزه و حماسه‌آفرینی میشود:

باز آی از قاف گل ای مرغ رویین بال عشق	تا شود مغلوب من اسفندیار	سرنوشت
کفشهای آهنینت <u>سام</u> گردافکن چه شد	در کویر خار وامانده سوار	سرنوشت
<u>رخش</u> آتش پس بگو دستان آهن دل کجاست	<u>اشکبوس</u> تازه دارد کارزار	سرنوشت
	(مردانی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۶)	

بر تن رویین نباشد تیغ چوبین کارگر
ای که داری جوشن تکبیر بر پیکر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۴۵)

اسفندیار رویین تن

«رویین تنی یا زخم ناپذیری در افسانه‌ها و حماسه‌های جهان بشکلهای گوناگون دیده میشود... از میان پهلوانان روایات ایرانی، اسفندیار رویین تن است و تنها جای زخم‌پذیر او چشمان اوست. رستم نیز جامه‌ای زخم‌ناپذیر بنام ببر بیان دارد که چون زرهی بر تن اوست» (خالقی مطلق، ۱۳۷۲: ص ۲۷۵). حسینی از اسطوره رویین تنی اسفندیار در مقام تشبیهی در وصف دلاوری رزمندگان بهره میگیرد:

گویید خصم دون را زنجیری جنون را	ماییم در مصافت آماده	خطرها
ما از عشیره خون رویین‌تنان عشقیم	شمشیر ما شهادت ایمانمان سپرها	
	(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۲۶)	

اما رویین‌تنان عشق بی‌اعتنا بر عابر مرگند
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۳۲۷)

درفش کاویان

درفش یا پرچم کاوه در اساطیر ایران نماد قیام علیه ظلم و ستم است. از این رو «درفش» در توصیفات حماسی و اساطیری ایران رمزی از دادخواهی است. امین‌پور در «شعری برای جنگ» پیروزی بر ضحاک زمان «صدام» و برپایی درفش کاویانی را توصیف میکند:

اینان هر چند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / در گوششان کدام امام است / بر دوششان درفش قیام است (امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۳۸۸).

مردانی در شعر «محراب خونین» در سوگ رزمندگان و قهرمانان وطن آنان را با کاوه اسطوره ملی ایرانیان مقایسه مینماید و قیام و مبارزه شهدا علیه صدام و رژیم بعث را تلویحاً به مبارزه کاوه آهنگر علیه ضحاک اشاره میکند:

بگو بکاوه پیروز تا برافروزد درفش وحدت رزم‌آوران به باره خون
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۲۶)

ما از عشیره خون رویین‌تنان عشقیم شمشیر ما شهادت، ایمانمان سپر ما
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۲۳)

هراتی خطاب به سربازان وطن و رزمندگان، آنان را جهادگرانی نامیرا و رویین‌تن خطاب میکند:
ای رویین‌تن متواضع / ای متواضع رویین‌تن / ای میزبان امام (هراتی، ۱۳۸۷: ص ۵۲).

آرش کمانگیر

«داستان آرش اگر چه در متنهای پیش از اسلام نیز دیده میشود، اما شکل کامل آن در متنهای پس از اسلام آمده است. ایرانیان در یکی از نبردهای خود با سپاه افراسیاب تورانی در طبرستان بمحاصره دشمن درمی‌آیند و چون این محاصره طولانی و فرسایشی میشود، دو طرف میپذیرند که پرتاب تیری از سوی پهلوان ایرانی، مشخص‌کننده مرز ایران و توران باشد. ایرانیان که از فرجام کار ناامیدند و شکست را روبه روی خود میبینند، آرش را برای این کار خطیر برمیگزینند و با پرتاب تیر آرش که مساحت طولانی را از طبرستان تا کناره‌های رود جیحون در ماوراءالنهر میپیماید، افراسیاب و سپاه او مجبور بترک ایران میشوند» (حسین‌پور آلاشتی و اسماعیلی، ۱۳۸۸: ص ۹۳). در ادبیات پایداری و دفاع مقدس، هر زمان که شاعران از اوضاع و شرایط موجود ناامید میشوند، اسطوره آرش از درازنای تاریخ کهن و باستان ایران را بیاری طلبیده تا با کمک این اسطوره، تعدی و تجاوز افراسیابهای زمان و دشمنان را در هم بکوبند و روحیه ملت و سربازان وطن را تقویت کنند. بدون شک یکی از اهداف اساسی شاعران دفاع مقدس از باز زایی این اسطوره، روحیه بخشی به رزمندگان و دلاوران نبرد نابرابر با رژیم بعث بوده است. دعوت به مبارزه و تشویق و ترغیب سربازان، رزمندگان و جان‌برکفان عرصه دفاع مقدس و دفاع از سرزمین اسلامی و آب و خاک، با بهره‌گیری از فرهنگ شیعی و نمادهای دینی و اساطیری از جمله اسطوره‌های دینی بمانند امام حسین (ع) واقعه عاشورا، امام (ع) و... در جهت تقویت روحیه قهرمانان وطن و تحقیر و خوار داشت دشمن و تکریم شهدا و ایجاد روحیه حماسی در آنان از ویژگیهای اشعار مورد بررسی است. اصولاً مقوله جنگ، مقوله‌ای خشونت‌بار است و لازمه آن بهره‌گیری از لحن حماسی است و درست از همینجاست که اساطیر مذهبی و ملی در متن جلوه‌گر میشوند:

ای ظفرمندان، ظفرمندان در سنگر به پیش ای سواران سحر گردان نام‌آور به پیش
جنگجویان دلاور، پیشتازان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
با سلاح کاری الله و اکبر میروید پیروان راستی فاتح خیبر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۴۴)

در اینگونه اشعار، شاعران معمولاً با بهره‌گیری از عناصر اسطوره‌ای و تاریخی بشرح رشادتها، قهرمانیها و دلاوریهای رزمندگان در قالب نمادین اسطوره‌های ملی و مذهبی میپردازند تا در لایه‌های ضمیر ناخودآگاه جامعه نفوذ کنند و حمیت، غیرت و وجدان مقدس ملت را بیدار یا تقویت نمایند و بدفاع از کیان و عزت خویش بپردازند. مردانی در توصیف دشمنان و متجاوزان اسطوره ضحاک را مورد توجه قرار میدهد و میگوید:

سیل فریاد تو دیوارهٔ اعصار شکست
نبض تاریخی و تاریخ ز تو خونین است
نعرهٔ خون تو ضحاک زمان رسوا کرد
مرگ اینگونه به از زندگی ننگین است
(مردانی، ۱۳۸۸: ۳۲۶)

مردانی در شعر «آرش بهار» که بمناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی سروده است با انتخاب عنوانی اسطوره‌ای، از همان آغاز اسطورهٔ «آرش» را مدنظر قرار داده است:

بخاک تشنه بشارت دوباره باران داد
بخوان که مرز خزان آرش بهار شکست
(مردانی، ۱۳۶۶: ۱۹)

اشاره به شخصیت اسطوره‌ای گیو و تهمتن:

طلسم بسته دیوان روزگار شکست
تپه‌تپنی که در قفل این حصار شکست
بگو که گیو زمانه دلاور تاریخ
صف سپاه مخالف بکارزار شکست
(مردانی، ۱۳۶۰: ۱۹)

اسفندیار و رستم:

غرور سرکش اسفندیار رویین‌تن
ز تیر ترکش دستان کهنه‌کار شکست
(همان: ص ۱۹)

بروی نعش غیوران کشور آرش
سپاه فاتح تیمور لنگ میگذرد
(مردانی، ۱۳۸۸: ص ۲۹۸)

مردانی در شعر «جنگ جنگ است» از اسطوره تهمتن بعنوان نمادی از دلاوران و رزمندگان دفاع مقدس در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل یاد میکند و میگوید:

شیشهٔ عمر توای دیو بد آیین زمان
ما بسر پنجهٔ ایمان چو تهمتن شکنیم
(مردانی، ۱۳۸۸: ص ۳۳۸)

مردانی پیروزی ملت ایران در مقابل بیگانگان و متجاوزان را در مقام تشبیهی و تمثیلی به گذر از هفت خوان رستم مانند کرده است:

سوار عرصهٔ اندیشه فاتحانه گذشت
ز خوان هفتم تاریخ در رکاب کویر
(مردانی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۱)

در غزلی با عنوان «حماسه‌های یقین» مردانی با بهره‌گیری از اسطوره و نمادهایی چون هفتخوان، درفش، رستم و... محور شاعرانگی اندیشهٔ خویش را در توصیف مبارزهٔ رزمندگان اسلام در جبههٔ جهاد و ایستادگی چنین بیان میکند:

به هفتخوان خطر مانده در اسارت شب
دلآوری که بدوشش درفش بیداری است
ظهور کی کند از آسمانهٔ گل و نور
پیمبری که ز وسواس دیو تن عاری است
صدای شیشهٔ رخس دگر نمی‌آید
کجاست رستم دستان که زخمها کاری است
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۳۵)

هفت خوان رستم

امین پور اعزام کاروان رزمندگان به جبهه‌های نبرد را به سفر رستم و گذر از هفت خوان تشبیه نموده است:

هفت خوان را به یک قدم رفتند ز آنکه بر خان عشق مهمانند
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۱۱۶)

واژه‌هایی چون «دستان»، «سهراب» از دیگر نمونه‌های اسطوره‌های ملی است که مردانی در تبیین درونمایه‌های مرتبط با آرمانهای دفاع مقدس و ادبیات پایداری مورد استفاده قرار داده است:

برخیز ای سردار صبح از خواب خونین سر میکشد دیو شب از مرداب خونین
در رزمگاه خشم و خون «دستان» مغلوب در گور نفرین مینهد سهراب خونین
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۲۷)

کاوه

امین‌پور در شعری که برای جنگ سروده است با اشاره به درفش و قیام کاوه، مبارزه کاوه علیه ضحاک را فرا یاد مخاطب آورده است تا بر جنبه ایستادگی و تسلیم‌ناپذیری ایرانیان در برابر دشمن در هر زمان و مکانی تأکید نماید: اما / این شانه‌های گرد گرفته / چه ساده و صبور / وقت وقوع فاجعه میلرزند / اینان / هر چند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / بی هیچ خان و مان / در گوششان کلام امام است / فتوای استقامت و ایثار / بر دوششان درفش قیام است (امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۳۸۸).

بگو به کاوه پیروز تا برافرازد درفش وحدت رزم‌آوران به باره خون
(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۳۱)

سیمرغ

«مردمان کهن پرنده‌گان را آفریدگانی فراسویی و از گونه‌ای دیگر می‌پنداشتند، از آنجاست که پرنده‌گان جایگاهی والا در نمادهای اسطوره‌ای دارند. در فرهنگهای باستانی مرغان شکاری تیزپرواز ارزش آیینی و نمادینی بیشتری داشته‌اند، زیرا این مرغان پستیها را بر نمی‌تابند؛ همواره بی‌شکيب بلندیها را می‌جویند. نازان و برمنش در فرازهای آسمان بال می‌کشایند و در ستیغ کوهساران بلند آشیان می‌گیرند؛ از این روی مرغان تیز پر با آسمان، با مینو، با جهان نهان، با نیروهای برتر، با فراسو بیشتر در پیوند انگاشته می‌شده‌اند و از ارج آیینی فزونتری برخوردار بوده‌اند» (کزازی، ۱۳۸۰: ص ۷۳). سیمرغ از جمله پرنده‌گان اساطیری در ادب فارسی بخصوص در شاهنامه فردوسی است که بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بجز سیمرغ، عنقا و ققنوس نیز با رویکرد اسطوره‌ای در میان ادبیات بسیاری از ملت‌ها با رویکرد اساطیری همواره مدنظر شاعران و هنرمندان بوده است. طبق اساطیر ایرانی سیمرغ بر فراز دریاچه فراخکرت / فراخکرد بر فراز درخت «گوکرن» آشیان دارد (یاحقی، ۱۳۷۵: ص ۲۵۰). در ادبیات فارسی سیمرغ، ققنوس و عنقا گاه تسامحاً در یک معنا بکار می‌رود و همگی رمزی از قدرتهای فرا طبیعی، سوختن و بُعد و دوری هستند. «عنقا پرنده‌ای اسطوره‌ای است که در روایات اسلامی به آن اشاره شده است. برخی سیمرغ ماده را عنقا میدانند و معتقدند که در ابتدا با مردم زندگی میکرد» (یاحقی، ۱۳۷۵: ص ۲۵۴). در فرهنگ اساطیر، سیمرغ یا عنقا، نماد عارفی است که بسوی هستی ازلی و الوهیت پرواز میکند. جایگاه سیمرغ کوه اسطوره‌ای قاف است و نماد بخشی از وجود است که دست نایافتنی، هدایتگر و راهنماست (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ص ۴ / ۵۲۶). در ادبیات عرفانی، ققنوس غالباً تمثیلی است از حیات جاودان، فناپذیری و اتصال به نیروی ابدی. «اسطوره ققنوس در اصل اسطوره خورشید بوده است که پس از هر شب دگر بار در سحرگاه طلوع میکند» (چدویک، ۱۳۷۵: ص ۹۱). هراتی در توصیف دنیای پس از ایثارگریهای شهدا و جانبازان و توصیه به ادامه راه آنان می‌گوید:

دنیا آتشکده موقتی است / تا من و تو / در آن بنشینیم / نه عبوس / که چون ققنوس / دوباره شدن را / و به امید

دیداری در ناکجا / مرا این معنی / با غروب مانوس کرده است (هراتی، ۱۳۸۷: صص ۳۳۴ - ۳۳۵).
سلمان هراتی با اشاره به اسطوره ققنوس پرنده‌ای که در آتش خویش میسوزد تا ققنوسی تازه متولد شود، شهادت رزمندگان اسلام و سربازان وطن را بخوبی توصیف نموده و نامیرایی و زنده بودن شهدا در بارگاه الهی را در مقام تمثیلی با اسطوره ققنوس مقایسه کرده و میگوید:

ای شهید ای جاری گلگون	جایت از پندار ما بیرون
رفته‌ای با اسب خونین بال	ای شهید ای مرغ آتش بال
حجله تو مثل یک فانوس	گشت روشن با پر ققنوس

(هراتی، ۱۳۶۵: ص ۳۱۲)
اساطیر همیشه باشکوه شاعر طوسی سکوت سایه سیمرغ در افسانه مایی
(مردانی، ۱۳۸۸: ص ۳۱۸)

ضحاک

اسطوره ضحاک در فرهنگ ایرانی از جمله اسطوره‌هایی است که بخوبی نبرد میان اهورا و اهریمن‌ها، نیکی و بدی و خیر و شر را بتصویر میکشد. «اسطوره پیکار فریدون و کاوه آهنگر با ضحاک ماردوش یادآور اسطوره یونانی پرومته و غلبه نیکی بر بدی در فرهنگ اساطیری غرب است» (ستاری، ۱۳۸۸: ص ۱۲۴).

تا نعره تکبیر بر این خاک زدند	مانند ستاره سر به افلاک زدند
کردند بسی مشعله از خون شهید	آتش به سراپرده ضحاک زدند

(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۳)

شاعر با اشاره‌ای تلمیحی به داستان ضحاک ماردوش / آژدی دهاک، دلاورمردیهای رزمندگان اسلام را چنین توصیف میکند:

قرآن بخوان / آنگاه با ذوالفقار / بر ازدها بتاز / دیوار را بکوب / خورشید رافضی / در انتظار توست (حسینی، ۱۳۹۱ ب، ص ۴۴).

دیو سیاهی مظهر تلواشه شب	میخورد مغز استخوان در کاسه شب
ماران سر از سوراخها بیرون کشیدند	مغز سر نام‌آوران را میمکیدند

(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۳۸)

توصیف دشمن متجاوز به ضحاک:

کردند بسی مشعله از خون شهید	آتش به سراپرده ضحاک زدند
-----------------------------	--------------------------

(همان)

ادبیات دفاع مقدس بویژه شعر، در ذات و ماهیت خویش دارای کارکردهای اساطیری است. بیان درد و رنج مردم آسیب دیده و قربانی جنگ، تهییج رزمندگان برای مبارزه علیه ظلم و ستم، ستایش وطن، ستایش فداکاری شهدا و ایثارگران، اعتراض، آرمانگرایی، توجه به ماهیت ارزشهای از دست رفته و بازگویی حقایق، همگی از جمله درونمایه‌های اساسی شعر دفاع مقدس در حالت کلی است که طبیعتاً کلام و بیانی اساطیری و حماسی را در ذات خود طلب میکند. اسطوره در هر زمان و دوره‌ای، شکل و نقش و کارکرد ویژه‌ای دارد «اساطیر در جریان زمان و در مرزهای جغرافیایی و در میان مردمان گوناگون ممکن است دستخوش دگرگونی‌هایی شود و نقش تازه‌ای بپذیرد» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ص ۲۱۳).

اسطوره‌های عرفانی، آیینی و دینی

پیامبران، ائمه و معصومین از ابتدای ورود آیین اسلام به ایران مورد توجه شاعران و ادیبان و هنرمندان بوده‌اند و هنگامی که به تاریخ ادبیات ایران نظری بیافکنیم متوجه میشویم که در ادوار گوناگون این شخصیت‌های آیینی همواره الگو و اسوه‌ای از قدرت، شجاعت و فضایل نیک انسانی در ادبیات فارسی بوده‌اند و در مبارزه علیه شر، بدی و ظلم اسطوره‌نیک‌ی بحساب می‌آمدند. از آنجا که شخصیت‌های مقدس و مذهبی طبق تعریفی که الیاده از اسطوره ارائه میدهد (۱۳۶۲: ص ۱۴) دارای برتری روحی و معنوی هستند و از هاله‌ی قداست برخوردار می‌باشند و بعنوان الگو و سرمشق یا سرنوشت‌زلی در فرهنگ خاصی (مثلاً آیین اسلام) پذیرفته شده‌اند و بنیانگذار آیین یا عملی مؤثر می‌باشند، از این رو میتوان اعمال و رفتار شخصیت‌های برجسته مذهبی از جمله امام حسین (ع)، حضرت علی (ع) یا پیامبر (ص) را در ادبیات آیینی و دفاع مقدس، در زمره‌ی الگوهای اساطیری معرفی نمود. در شعر پایداری میراث تاریخی - مذهبی اساطیر شامل چندین دسته از شخصیت‌ها میشود؛ معصومین، امامان، و شخصیت‌های برجسته تاریخی مانند ابودر (ع)، شخصیت‌های منفی مانند شیطان، قابیل و الگو قرار دادن وقایع برجسته اسطوره‌ای مانند واقعه تاریخی کربلا. شاعران ادبیات پایداری فریاد عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی را با قیام امام حسین و مبارزه ایشان علیه یزید مورد توجه قرار داده‌اند. نیز حق طلبان عاشقی مانند حلاج که با فریاد ان الحق بمقام فناء فی الله رسید. شعر دفاع مقدس، در حقیقت بازخوانی جریانات و حوادث تاریخی گذشته و تجربیات عینی بسیاری از رزمندگان و پیکارگران است که مفاهیمی چون شهادت، شجاعت، رشادت و آزادگی را با خاطره‌های ازلی از بنمایه‌های دینی و آیینی گره زده تا مبانی هویت ملی و اعتقادی مردم ایران را تقویت نموده و با طرح قهرمانان دینی و ملی، غرور از دست رفته را با تکیه بر ارزش‌های موجود نماید و از فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی ملت، دفاع نماید.

منصور حلاج

زندگی اسطوره‌ای - حماسی حلاج در ادبیات آیینی و عرفانی نمادی از عشق به ذات حق تعالی و فناء فی الله است چنانکه در بیشتر آثار ادبی، حلاج رمزی از عاشق پاک باخته و صافی ضمیر است. در توصیف شهادت حلاج‌گونه شهادی جنگ:

تا لاله رخان بانگ انا الحق نزنند	دیباجه سرخ عشق تدوین نشوند
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۱۳۷)	
منصور سر بریده ما با زبان سرخ	ناخوانده گفت قصه بی انتهای خون
هر لحظه بر مناره بودن ز سوگ عشق	آید هنوز بانگ انا الحق زنان خون
	(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۳۱)
زیباترین حماسه تاریخ خون نوشت	یاری که زنده مانده از او کربلای خون
	(همان: ص ۳۲)
منصور گل بر صخره‌های سرخ ایثار	بانگ انالحق با دلی بیدار میزند
	(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۳۸)
کنار چوبه دارم بیا که چون حلاج	شهید عشق نمیرسد از نظاره خون
	(همان: ص ۶۱)

امام خمینی (ره)

شاعر قیام رزمندگان اسلام و رهبری امام خمینی (ره) علیه تجاوز رژیم بعث عراق را با بنمایه‌های اساطیر عرفانی مطرح مینماید:

شهادت عشق نمیرسد از نظاره خون
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۲۶)

کنار چوبه دارم بیا که چون حلاج

در توصیف رزمندگان و رهبری امام خمینی (ره):

عماروش، بوذرمنش، حیدرآبند
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۶)

یار وفادار رسول عصر خویشند

از دست رهبر وارث حیدر گرفتند
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۸)

فرمان پیروزی در این رزم مقدس

هابیل (ع)

مردانی در شعری با عنوان «غزل هابیل» با نمادی از اساطیر دینی، مقاومت رزمندگان دفاع مقدس در مقابل ظالمان زمان را بتصویر میکشد:

تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم
کاین‌گونه در مقابل قابیل ظلمتیم
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۴۱)

ما خلقهای کشور خون و شهادتیم
ماییم از نبیره هابیل آفتاب

در نمونه‌ای دیگر از اسطوره دینی نبرد حضرت علی (ع) در روز جنگ خیبر و فتح آن بعنوان تمثیلی برای رزمندگان دفاع مقدس یاد میکند:

صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم
چون علی فاتح خیبر شکن تن شکنیم
(همان: ص ۴۳)

جنگ جنگ است بیا تا صف دشمن شکنیم
در افسانه‌ای قلعه شیطان بزرگ

پیروان راستین فاتح خیبر به پیش
بگذرید ای امت بیدار دل با سر به پیش
(مردانی، ۱۳۸۸: ص ۱۹۹)

با سلاح کاری الله و اکبر میروید
پیرتان گوید اگر از کوه آتش بگذرید

از بشمار نام شهیدانت / هابیل را که نام نخستین بود / دیگر / این روزها به یاد نمی‌آوری / هابیل / نام دیگر من بود (امین پور، ۱۳۸۸: ص ۲۶۴).

اسماعیل (ع)

امین پور با بهره‌گیری از میراث دینی و آیینی و اساطیر مذهبی، رزمندگان اسلام را به اسماعیلی تشبیه نموده است که اسوه و الگوی فرمانبرداری، اطاعت و جانبازی از دستورات - و فرامین حق هستند و با نگاهی اعتراضی به گروهی که در راه مبارزه تنها نظاره‌گر بودند میگویند:

عمری بجز بیهوده بودن سر نکردیم / تقویمها گفتند و ما باور نکردیم / در خاک شد صد غنچه در فصل شکفتن / ما نیز جز خاکستری بر سر نکردیم / حتی خیال نای اسماعیل خود را / همسایه با تصویری از خنجر نکردیم (امین پور، ۱۳۸۸: ص ۳۲۹).

حسینی در توصیف شهامت و از جان‌گذشتگی شهدایی که اسماعیل‌وار به مسلخ عشق رفتند می‌گوید:
اینان که بخلق و خوی اسماعیلند در حادثه آبروی اسماعیلند
در گفتن تکبیر به پیغمبر تیغ بی‌تاب تر از گلوی اسماعیلند
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۱۵)

و نیز:

در من رسوب درد عافیتی زرد / و در تو ای مرد / اصالت لبیک سرخگون حلق اسماعیل / به لبه تیز تیغ رسالت /
آه ای به تمنا / ره یافته به حریم مینا (همان: ص ۶۵)
آنان که حلق تشنه به خنجر سپرده‌اند آب حیات از لب شمشیر خورده‌اند
(همان: ص ۱۱۰)

ایوب(ع)

مردانی در سروده «قیام سرخ شهیدان» که بشارت پیروزی سربازان و دلاوران ایران زمین را می‌دهد، خطاب به رهبر قیام امام خمینی (ره) صبر و بردباری مبارزان و رهبری انقلاب در دفاع از آرمانها و ارزشهای دفاع مقدس را با اسطوره صبر و اندیشه‌های مذهبی مسلمانان و حضرت ایوب (ع) مقایسه می‌کند و می‌گوید:
شکست صبر جمیل تو پشت حادثه‌ها درود بر تو که ایوب روزگاری
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۲۵)

ابراهیم (ع)

در شعر معاصر و ادبیات پایداری، ابعاد گوناگون داستان حضرت ابراهیم (ع) و مبارزه او با نمرد و کفر و طغیان او مورد توجه بسیار قرار گرفته است. حسینی در شعر «مثنوی عاشقانه» ضمن یاد کردن از شهدای جنگ تحمیلی، مبارزات آنان با استکبار و طاغوتیان زمان را به گذر ابراهیم (ع) از میان شعله‌های آتش نمرد تشبیه کرده است:
بیار آتش کینه نمرد وار خلیلیم ما را به آتش سپار
که پروانه در خلسه طی طریق به پایان برد باد بال حریق
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۴۴)

حسینی خطاب به دشمن خونخوار و متجاوز که بر سر ملت بیدفاع و مظلوم ایران آتش میبارد، می‌گوید:
بیار آتش کینه نمردوار خلیلیم ما را به آتش سپار
(همان: ص ۴۱)

و در تعریف شهدایی که عاشقانه در راه حراست از دین و میهن شهید شدند با اشاره به اسطوره ابراهیم (ع) و گذر از آتش می‌گوید:

همچون خلیل بت‌شکن در آتش عشق رفتند و راه گلشنی دیگر گرفتند
(همان: ص ۱۱۸)

لهیب آتش نمردیان گل افشاند بروز حادثه باشد اگر خدا با ما
(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۴۲)

تا هیمة ای به حیطة آتش بیاورند ما را از آزمایش آتش هراس نیست
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۲۴)

امین پور در بیان غربت رزمندگان و درد و رنج ناشی از جنگ و آثار آن با تلمیحی اسطوره‌ای با ناجوانمردی که در حق یوسف (ع) شد و پیراهن دریده او میگوید:
این بوی غربت است که می‌آید / بوی برادران غریبم / شاید بوی غریب پیره‌نی پاره / این بوی زخم‌گرگ نباید باشد / (امین پور، ۱۳۸۸: ۳۳۵).

موسی (ع)

سوزشان آتش طور موسی / داغشان مهر محراب زرتشت / کوله بر پشت و سجاده در پیش (امین پور، ۱۳۸۸: ص ۲۱۵).

حیوانات آیینی (براق) و (ذوالجناح)

تصویر نمادین اسب بعنوان مرکب قدسیان، بزرگان معنوی و قهرمانان همواره در تاریخ ادبیات ایران و بسیاری از مذاهب مورد توجه بوده است. «اسب [سفید] نماد شریفترین پیروزی بشر است» (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸: ۲ / ص ۱۳۶) بر همین قیاس است که پیامبر (ص) سوار بر اسبی سفید بمعراج می‌رود. اسب در حقیقت نمادی از قهرمانان شجاع و دلاوری است که برای آزادسازی و دفاع از سرزمینشان، به شهادت رسیده و عروج کرده‌اند. بنابر سنت روایات اسلامی حضرت محمد (ص) در شب معراج با اسبی که در تفاسیر «براق» نامیده شده است، آسمانها را درنوردیده و به معراج رفته‌اند. در تفسیر سوراآبادی در خصوص حوادث شب معراج پیامبر (ص) آمده است: «شب معراج، اسرائیل را دیدم با هفتاد هزار فرشته و براقی در میان، اشهب، بزرگتر از حمار و کوچکتر از استر، رویش چون روی آدمیان، سر او چون سر اسب...» (سوراآبادی، ۱۳۴۷: ص ۱۹۳). حسینی در شعر «از نسل سرخ سربداران» باره و مرکب رزمندگان عرصه شهادت و عاشقی را به اسطوره آیینی براق تشبیه مینماید و میگوید:

چابک براق عاشقی را زین نهادند پا در رکاب باره دیرین نهادند
چون مرغ حق زیر و بم آوازشان حق با ذوالجناح نور تا معراج راندند
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۰)

در جاده‌های سربی رزم شبانگاه چابک براق برق را پا در رکابند
(همان: ص ۱۲)

امام حسین (ع)

در حیطه مورد بررسی، شاعران ادبیات پایداری و دفاع مقدس مفاهیم خیال‌انگیز، شاعرانه و قابل توجهی را در خصوص انبیاء و اولیا به‌هدف اسطوره‌سازی و توجه و اقبال به اساطیر مذهبی مورد استفاده قرار داده‌اند؛ اما رویکرد عمیق و همه‌جانبه بیشتر این شاعران به شخصیت امام حسین (ع) حکایت از تعلق خاطر بسیار و دلبستگی به این چهره کم‌نظیر تاریخ اسلام و ادبیات شیعی دارد. امام حسین (ع) برای شاعران ادبیات پایداری نمودی از مقاومت در برابر انواع ظلم، ستم، حاکمیت کفر و مبارزه با بیعدالتی و حمایت از آزادی است. قیام امام حسین (ع) فریاد دادخواهی علیه بی‌رسمیهای زمانه و حقیقت‌خواهی بر بلندای تاریخ است از این رو حسین (ع) نمادی آیینی از درازنای تاریخ است که جهان را بعدالت دعوت نمود.

موضوع قیام ابا عبدالله الحسین (ع) و واقعه عاشورا و کربلا در طول تاریخ شیعه همواره مورد توجه قرار گرفته است. شاعران، نویسندگان و هنرمندان بسیاری با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف قیام امام حسین (ع) به این موضوع

پرداخته‌اند. با شروع انقلاب اسلامی و قیام مردم ایران، کربلا و عاشورا نماد و الگویی بارز جهت مبارزات سیاسی ملت ایران شد و در فرهنگ جهاد و مبارزه، شاعران با الهام گرفتن از عاشورای حسینی، مضامین بسیار زیبایی را خلق نمودند. با شروع جنگ تحمیلی سربازان وطن به فرمان امام خمینی (ره) با تأسی از قیام امام حسین (ع) پا به میادین نبرد نهادند و از جان خویش گذشتند. رهبر این دفاع مقدس، امام خمینی (ره) برای ملت ایران یادآور قیام امام حسین (ع) و ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی ایشان است. همین مسأله باعث شد تا حجم قابل توجهی از شعر شاعران ادبیات پایداری و دفاع مقدس با نمادهای عاشورایی پیوند بخورد در حقیقت استفاده از بنمایه‌های مذهبی پیرامون واقعه دشت کربلا، یاوران فداکار و دلاور امام حسین که جان بر کف بر یزیدیان شوریدند و پیروزی نهایی خون بر شمشیر و حق علیه باطل در قالب نمادهایی اسطوره‌ای با سر فرود نیاوردن ملت ایران در مقابل دشمن متجاوز مقایسه شده است؛ شاعرانی که بکمک بهره‌گیری از این گونه اسطوره‌ها به انتقال مفاهیم امید و صبر در رزمندگان دلاور جبهه‌های نبرد میپرداختند.

قیام هدفمند، تاریخی و ماندگار امام حسین (ع) و یاران وفادارشان، نابترین و تأثیرگذارترین نمادهای خیال‌انگیز و بلاغی را در حیطه بهره‌گیری از نمادهای اسطوره‌ای - دینی در شعر ادبیات پایداری و دفاع مقدس از خود بر جای گذاشتند:

در کربلای ایثار مردانه در ستیزند	رزم‌آوران اسلام با خیل نابکاران
در رزمگاه ایمان با اسب خون بتازند	تا وادی شهادت این قوم سربداران
هابیلیان کجایید؟ قابیل دیگر آمد	نگ است جان سپردن در دخمه تاران

(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۱۵)

درونمایه و محتوای فکری ادبیات انقلابی در ایران پس از شروع جنگ تحمیلی با بهره‌گیری از اعتقادات شیعی و وقایع مذهبی بویژه حادثه تاریخی کربلا و عاشورای حسینی سبب شد که شاعران بسیاری بین اساطیر و عرفان و دین در پرتو واقعه عاشورا ارتباط برقرار نمایند بعبارت دیگر تاریخ عاشورا، بصورت فلسفه‌ای پویا در دوره‌های مختلف از اشعار شاعران انقلابی و ادبیات پایداری و دفاع مقدس، مورد توجه قرار گرفت:

راهها راه حسین است که با تیشه خون	همه بتهای زمین در شب روشن شکنیم
به چه اندیشه در این کشور خون آمده خصم	ما به نیروی یقین آهن شکنیم
مشتها بر دهن یاوه‌سرایان کوبیم	زورمندان جهان را همه گردن شکنیم

(مردانی، ۱۳۷۰: ص ۸۲)

مردانی عمدتاً از نمادهای مرسوم و قراردادی برای تبیین اندیشه‌های خویش در حیطه ادبیات پایداری استفاده میکند:

شهید زنده تاریخ عشق میگوید	به دار سرخ انا الحق دوباره باید رفت
----------------------------	-------------------------------------

(همان: ص ۵)

مردانی در غزل «سپیده خون» با اشاره به واقعه عظیم عاشورا و تأثیر حادثه کربلا در تاریخ جنگ و جهاد علیه ظلم و ستم با اشاره تلویحی به نامهای عملیاتی از جمله عملیات «کربلا» در طول دفاع مقدس، امام حسین (ع) و قیام ایشان را بعنوان الگویی از اسطوره‌های مذهبی دفاع از عزت و کیان اسلام مورد توجه قرار داده و میگوید:

حماسه‌های سواران کربلای شهادت نوشته خامه تاریخ در جریده خونین
به قله‌های ظفر خطبه رسول زمانه بشارتی است در این صبح نو دمیده خونین
(مردانی، ۱۳۶۰: ص ۳۰)

جاده‌ها از حضور همواره کاروانیان معطر است / و درختان از سلامت سبز برخوردارند / با کاروانها به کربلا میرویم،
به جاده‌ها نگاه کنیم / حضور این کاروان / چه شکوهی به خیابان داده است / اینان با رفتاری پرنده‌وار / و با حرارتی
از تنفس سبز مرا می‌آموزند (هراتی، ۱۳۸۷: ص ۲۲۰).

این غریبی که از پیش ما رفت با سلام خدا آشنا بود
دیشب از باد پرسیدم این عطر از گلستان سبز کجا بود
گفت شمع دل این کبوتر همنشین گل کربلا بود
(همان: ص ۷۷)

در گذرگاه حادثه ایستادند / پیراهن خستگی را / با بلند نیزه دریدند / پیش هجوم آنان / سینه دریدند / هفتاد و
دو آفتاب از ایمان / که قوام زمین / در قیامتشان نشسته بود (همان: ص ۲۷).

و در اشاره به تشنگی و عطش رزمندگان و مقایسه آن با تشنگی یاران امام حسین (ع) در روز عاشورا و گلایه از
تجمل‌گرایی افراد جامعه پس از سالهای جنگ میگوید:

ما هر روز به انتها می‌رسیم / و درهای عافیت باز میشوند / و میز خوشبختی ما را / با یک لیوان شربت خنک تمام
می‌کند / وقتی یک جرعه آب صلواتی عطش را می‌خشکاند (همان: ص ۸۵).

در غزلی با عنوان «زین خالی» امین‌پور با بهره‌گیری از اساطیر عاشورایی و آموزه‌های شیعی چنین میگوید:

بر این زین خالی نه گردی، مردی دلا زین غم از خون نگریدی نه مردی
بر این زین خالی یلی چون تو باید من آن دل ندارم چه دردی چه دردی
نه من پر کنم جای همچون تویی را کجا پُر شود جای گردی به گردی
(امین‌پور، ۱۳۸۸: ص ۳۹۸)

در امتداد پرسش تاریخی حسین فواره‌های خون شما بهترین جواب
(حسینی، ۱۳۸۸: ص ۲۴)

حسینی در شعر «وداع» نیز از زبان رزمندگان که عازم جبهه‌های نبرد هستند با اشاره به اسطوره مذهبی قیام امام
حسین (ع) و لیبیک‌گویی یاران وفادار امام خمینی در دوران جنگ تحمیلی چنین میگوید:

میروم مادرم که اینک کربلا میخواندم از دیار دور یاد آشنا میخواندم
بانگ هل من ناصر از کوی جماران میرسد در طریق عاشقی روح خدا میخواندم
(همان: ص ۲)

عالم همه خاک کربلا بایدمان پیوسته بلب خدا بایدمان
تا پاک شود زمین ز ابنای یزید همواره حسین مقتدا بایدمان
(همان: ص ۱۱۰)

حضرت عباس(ع)

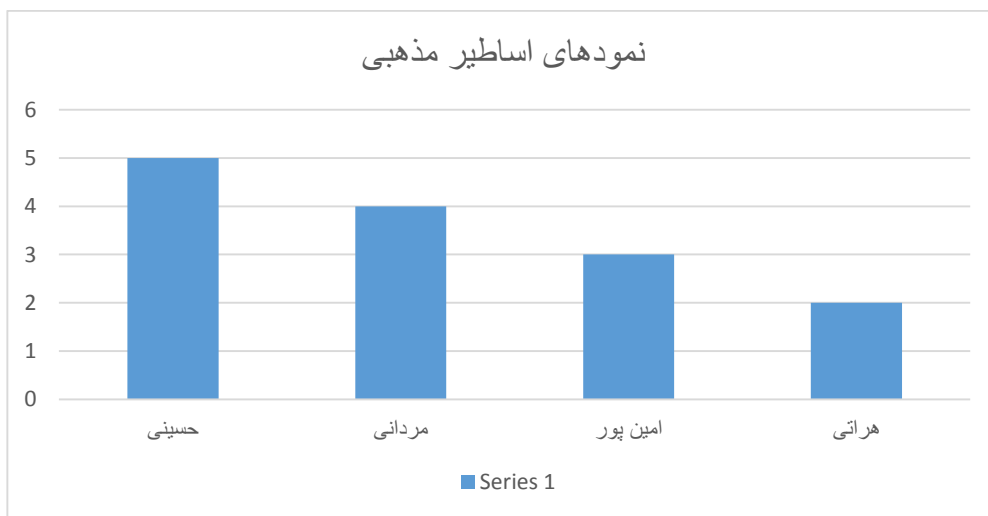
حضرت عباس (ع) نیز از جمله اسطوره‌های مذهبی در ادبیات شیعی است که نمادی از مقاومت، قدرت، فداکاری
و ایثار است. هراتی در توصیف رشادتهای سربازان و رزمندگان اسلام در جنگ ایران و عراق میگوید:

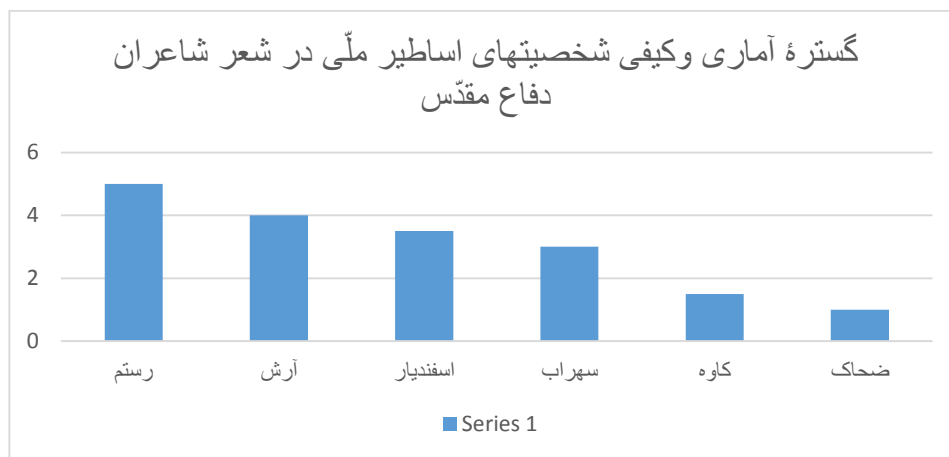
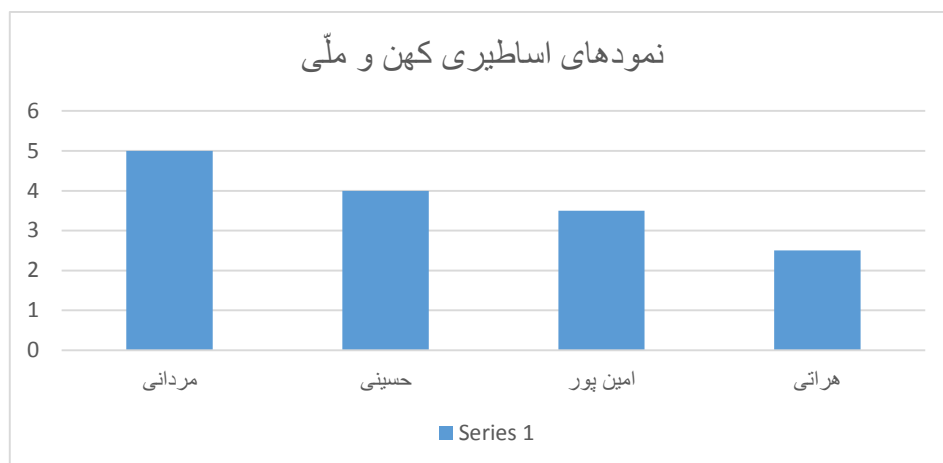
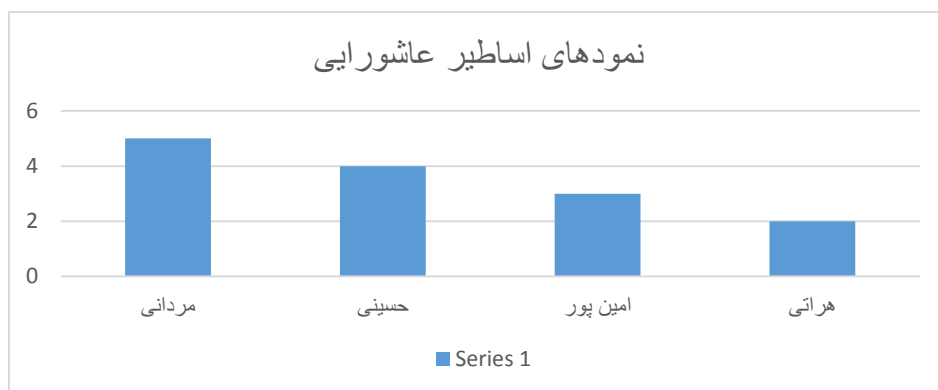
ز آن دست که چون پرنده بی‌تاب افتاد / بر سطح کرخت آبها تاب افتاد / دست تو چو رود تا ابد جاری شد / ز آن روی که در حمایت از آب افتاد (هراتی، ۱۳۸۷: ص ۵۸).

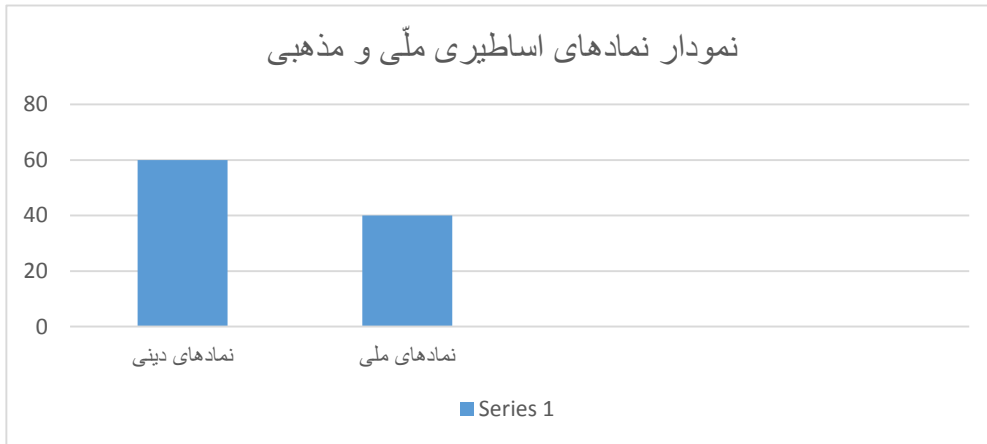
بشتاب برادر دلیرم بشتاب عباس تویی تازه فراتی دریاب
 چون بود شهید عشق در کرب بلا لب تشنه لبیک نه لب تشنه آب
 (حسینی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۲)

جدول شماره ۱. فراخوانی چهره‌های آیینی و دینی

نمادها	مفهوم نمادین
هابیل	نماد بی‌گناهی و قربانی شدن
اسماعیل	نماد اطاعت و فرمانبرداری از حق و رهبر
یوسف	نماد معصومیت، پاکی و آوارگی و بی‌پناهی در غربت
امام حسین (ع)	نماد ایثار، فداکاری، شجاعت، مبارزه علیه ظلم و اعتراض به ناحق
حلاج	نماد شهادت و حق‌طلبی
ایوب	صبر - استقامت
موسی (ع)	نماد فنا در حق







نتیجه‌گیری و پایان سخن

شعر ادبیات پایداری و دفاع مقدس در ذات خود کارکردهای نمادین و اساطیری گوناگونی دارد. این کارکردها و نمادسازیها بگونه‌ای که شعر شاعران این عرصه را فرامکان و فرازمان مینماید تا جایی که شاعر میتواند جهت تبیین اندیشه‌های خویش، تصاویر هنری از اسطوره‌های ملی و دینی یک ملت را بکار گرفته و در حوزه معنایی به ارائه پیام شاعرانه خویش بپردازد. یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که شاعران ادبیات پایداری و دفاع مقدس از عناصر اسطوره ملی و دینی در شعر خویش به فراخور بهره گرفته و سعی کرده‌اند تا در نشان دادن تقبیح ظلم، تجاوز و تعدی رژیم بعث به ایران از نمادهای منفی چون ضحاک و نمادهای دینی چون نمرود بهره بگیرند و در توصیف رشادتهای قهرمانیها و شجاعت رزمندگان اسلام و جان بر کف بودن شهدا با تاسی از الگوی اساطیر مذهبی - آیینی بویژه قیام امام حسین (ع) و یاران وفادارشان، واقعه عظیم عاشورا را مدنظر قرار داده و فرهنگ و هویت شهادت و مدلولهای برگرفته از آن را به کمک این بنمایه‌های اساطیری مطرح نمایند. نمادهای بکار گرفته شده که اغلب صلح، دشمنی، خیزش، قیام، شهادت و ایثار را بصورت رمزگونه نشان میدهند.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس استخراج شده است. جناب آقای دکتر مجیدرضا خزاعی وفا راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند و جناب آقای دکتر علی ماندگار بعنوان مشاور و آقای غلامرضا حسنی پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس و مسئولین و کارکنان فرهیخته و کوشا در نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aminpour. Caesar (1387). That dear friend. (Memorandum of Nasrullah Mardani). Tehran: Hozeh Art Publications, p. 59.
- (1388). Complete collection of poems. second edition. Tehran: Marvarid Publications.
- Bahar. Mehrdad (1376). From the myth of history. Tehran: Cheshmeh, p. 346.
- Chadwick. Challenges (1375). Symbolism. Translation: Mehdi Sobhani. Tehran: Center, p. 91. 10.
- Edgar. Andrew and Sabah Vic. Peter (1388). Basic concepts of cultural theory. Translated by: Mohammad Benavi and Mehran Atvad. Tehran: Aghaz, p. 43.
- Eliade. Mircha (1362). Perspectives of myth. Translation: Jalal Sattari. Tehran: Tos: pp. 14-21
- (1374). Myth, dream, code. Translation: Jalal Sattari. Tehran: Tos, p. 72.
- Gurin. Wall (1370). A guide to literary criticism approaches. Translation: Zahra Mehenkhah. Tehran: Information, p. 180.
- Harati. Salman (1365). Martyrdom poetry. Tehran: Islamic Revolution Martyr Foundation.
- (1387). Complete collection of poems by Salman Herati. Third edition. Tehran: Young Shaer Office.
- Hoghughi. Muhammad (1377). A review of the history of modern Iranian literature and literature (1). Tehran: Qatre, pp. 450-451.
- Hosseini. Seyedhassan (1388). Consonant with Halq Ismail. Fifth Edition. Tehran: Surah Mehr.
- (1391 A). Generic drug plan. The seventh edition. Tehran: Surah Mehr.
- (1391 B). Sparrow and Gabriel. Ninth edition. Tehran: Afog Publishing House.
- Hosseinpour Alashti. Hussein and Ismaili. Murad (1388). Analysis of myths in Siavash Kasraei's poems. literary study Number 9. pp. 106-89.
- Joari Mohammad Hossein (1383). Myth in comparative literature, citing myth and literature. Tehran: Samit, p. 44.

- Kazazi. Mirjalaluddin (1380). in another way Tehran: Center, p. 73.
- Khaleghi Motlagh. Jalal (1372). The flowers of old sorrows. Tehran: Center, p. 275.
- Knight. Jean and Gerbran. Alan (1388). The culture of symbols. Translated by Sudaba Fadaeli. second edition. The fourth volume. Tehran: Jihoon Publishing, pp. 526. 136-160.
- Lak. Manouchehr (1384). National identity in the poem of holy defense. National Studies Quarterly. Year 6, No. 22, pp. 111-132.
- Mardani. Nasrullah (1360). Rise of Light Tehran: Islamic thought and art. (1370). blood of soil Tehran: Keihan Institute Research Office. (1388). The law of love. Tehran: Sadra.
- Rashidian. Behzad (1370). Mythological insight in contemporary poetry. Tehran: Gostareh, p. 18.
- Roton. Kenneth Knowles (1378). the myth Translation: Abulqasem Ismailpour. Tehran: Center, p. 74.
- Sangri. Mohammadreza (1389). Criticism and review of the literature of Holy Defence. Tehran: Palisan, 19 - p. 234.
- Sarkarati Bahman (1378). Hunted Shadows. Tehran: Drop, p. 213.
- Satari Jalal (1388). The world of mythology. second edition. Tehran: Center, p. 124.
- Scientist. Mohammad and colleagues (1401). The course of reflection of mythological-epic traditions and themes in contemporary poetry of Afghanistan from the constitutional period to 1380. Literary techniques. fourteenth year Number 3. Serial 40. pp. 38-19.
- Surabadi. Abu Bakr Atiq (1347). Tafsir Surabadi. Proofreader: Ali Akbar Saidi. Volume 2. Tehran: New Publishing House. P. 193.
- Yahaghi. Jafar (1375). The culture of mythology and historical references in Persian literature. second edition. Tehran: Ministry, pp. 250-254.

فهرست منابع فارسی

- ادگار. اندرو و سچ ویک. پیتز (۱۳۸۸). مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی. ترجمه: محمد بنوی و مهران مهاجم. تهران: آگاه، ص ۴۳.
- امین پور. قیصر (۱۳۸۷). آن یار دلنواز. (یادنامه نصرالله مردانی). تهران: انتشارات حوزه هنری، ص ۵۹.
- (۱۳۸۸). مجموعه کامل اشعار. چاپ دوم. تهران: انتشارات مروارید.
- الیاده. میرچا (۱۳۶۲). چشم‌اندازهای اسطوره. ترجمه: جلال ستاری. تهران: توس: صص ۱۴ - ۲۱.
- (۱۳۷۴). اسطوره، رویا، رمز. ترجمه: جلال ستاری. تهران: توس، ص ۷۲.
- بهار . مهرداد (۱۳۷۶). از اسطوره تاریخ. تهران: چشمه، ص ۳۴۶.
- (۱۳۷۴). جستاری در فرهنگ ایران. تهران: فکر روز، ص ۲۰۶.

- جواری. محمدحسین (۱۳۸۳). اسطوره در ادبیات تطبیقی به نقل از اسطوره و ادبیات. تهران: سمت، ص ۴۴.
- چدویک. چالز (۱۳۷۵). سمبولیسم. ترجمه: مهدی سبحانی. تهران: مرکز، ص ۹۱.
- حسین پور آلاشتی. حسین و اسماعیلی. مراد (۱۳۸۸). تحلیل اسطوره‌ها در اشعار سیاوش کسرایی. ادب پژوهی. شماره ۹. صص ۸۹ - ۱۰۶.
- حسینی. سیدحسن (۱۳۸۸). همصدا با حلق اسماعیل. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر.
- (۱۳۹۱ الف). نوشاروی طرح ژنریک. چاپ هفتم. تهران: سوره مهر.
- (۱۳۹۱ ب). گنجشک و جبرئیل. چاپ نهم. تهران: نشر افق.
- حقوقی. محمد (۱۳۷۷). مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران (۱). تهران: قطره، صص ۴۵۰ - ۴۵۱.
- خالقی مطلق. جلال (۱۳۷۲). گل رنجهای کهن. تهران: مرکز، ص ۲۷۵.
- دانشگر. محمد و همکاران (۱۴۰۱). سیر بازتاب مضامین و روایات اساطیری - حماسی در شعر معاصر افغانستان از مشروطه تا ۱۳۸۰ خورشیدی. فنون ادبی. سال چهاردهم. شماره ۳. پیاپی ۴۰. صص ۱۹ - ۳۸.
- رشیدیان. بهزاد (۱۳۷۰). بینش اساطیری در شعر معاصر. تهران: گستره، ص ۱۸.
- روتون. کنت نولز (۱۳۷۸). اسطوره. ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: مرکز، ص ۷۴.
- ستاری. جلال (۱۳۸۸). جهان اسطوره‌شناسی. چاپ دوم. تهران: مرکز، ص ۱۲۴.
- سرکاراتی. بهمن (۱۳۷۸). سایه‌های شکار شده. تهران: قطره، ص ۲۱۳.
- سنگری. محمدرضا (۱۳۸۹). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران: پالیزان، ۱۹ - ص ۲۳۴.
- سورآبادی. ابوبکر عتیق (۱۳۴۷). تفسیر سورآبادی. مصحح: علی‌اکبر سعیدی. جلد ۲. تهران: فرهنگ نشر نو. ص ۱۹۳.
- شوالیه. ژان و گبران. آلن (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضائی. چاپ دوم. جلد چهارم. تهران: نشر جیحون، صص ۵۲۶ - ۱۶۰ - ۱۳۶.
- کزازی. میرجلال‌الدین (۱۳۸۰). از گونه‌های دیگر. تهران: مرکز، ص ۷۳.
- گورین. وال (۱۳۷۰). راهنمای رویکردهای نقد ادبی. ترجمه: زهرا میهن‌خواه. تهران: اطلاعات، ص ۱۸۰.
- لک. منوچهر (۱۳۸۴). هویت ملی در شعر دفاع مقدس. فصلنامه مطالعات ملی. سال ۶، شماره ۲۲. صص ۱۱۱ - ۱۳۲.
- مردانی. نصرالله (۱۳۶۰). قیام نور. تهران: اندیشه و هنر اسلامی.
- مردانی. نصرالله (۱۳۷۰). خون‌نامه خاک. تهران: دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان.
- (۱۳۸۸). قانون عشق. تهران: صدرا.
- هراتی. سلمان (۱۳۶۵). شعر شهادت. تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- (۱۳۸۷). مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی. چاپ سوم. تهران: دفتر شعر جوان.
- یاحقی. جعفر (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. چاپ دوم. تهران: وزارت، صص ۲۵۴ - ۲۵۰.

معرفی نویسندگان

غلامرضا حسنی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فردوس، دانشگاه آزاد اسلامی، فردوس، ایران.

(Email: t.ghlamreza.hassani@ferdowsiau.ac.ir)

مجیدرضا خزاعی وفا: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فردوس، دانشگاه آزاد اسلامی، فردوس، ایران.

(Email: khazaeivafa@iaubir.ac.ir: نویسنده مسئول)

علی ماندگار: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فردوس، دانشگاه آزاد اسلامی، فردوس، ایران.

(Email: mandegar@iaubir.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Gholamreza Hassani: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Ferdows Branch, Islamic Azad University, Ferdows, Iran.

(Email: t.ghlamreza.hassani@ferdowsiau.ac.ir)

Majidreza Khazaei Vafa: Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Ferdows Branch, Islamic Azad University, Ferdows, Iran.

(Email: khazaeivafa@iaubir.ac.ir: Responsible author)

Ali Mandegar: Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Ferdows Branch, Islamic Azad University, Ferdows, Iran.

(Email: mandegar@iaubir.ac.ir)